

سه شنبه ۲۰ آبان ۱۳۹۹
۲۴ ربیع الاول ۱۴۴۲
۱۰ نوامبر ۲۰۲۰
شماره ۳۰۸۲ صفحه

متن میثاق نامه روزنامه‌نگاری در سایت روزنامه موجود است

اخبار

ثبت یک تجربه تازه به نام سینمای کوتاه

سعید پورسماعیلی معاون فرهنگی و آموزش انجمن سینمای جوانان ایران و مدیر نشست‌های تخصصی سی‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران درباره این نشست‌ها که طی ۱۰ شب و به صورت مجازی برگزار شد، گفت: نشست‌های «۳۷-۲۰» که در ادامه سه سال نشست‌های قبلی با عنوان «۳۴-۲۰» در جشنواره سی‌وچهارم، «۳۵-۲۰» در جشنواره سی‌وپنجم، و «۳۶-۲۰» که در جشنواره سی‌وششم برگزار شد، امسال به دلیل شرایط کرونا و برگزاری بخش‌هایی از جشنواره به‌صورت مجازی، نشست‌های «۳۷-۲۰» هم شکل آنالین به خود گرفت و تجربه تازهای را به ثبت رساندیم.

وی افزود: شکل باشکوه اجرای سه سال نشست‌های قبلی و استقبال نزدیک به ۳۰۰ نفر به‌صورت حضوری و بقیه به‌صورت مجازی در دوره‌های قبلی، نشان از استقبال مخاطبان از نشست‌های تخصصی جشنواره داشت و طبیعتاً برای اینکه به تقاضای علاقمندان پاسخ مناسب داده شود و این بخش از جشنواره تعطیل نشود، از طریق صفحه سینمای جوان در اینستاگرام به‌صورت عمومی و بدون نام‌نویسی و پرداخت هزینه، بیست نشست امسال برگزار شد. بهره‌مندی از مزیت دوره‌های آموزشی مجازی

پورسماعیلی در ادامه توضیح داد: طبیعتاً برگزاری نشست‌های حضوری به‌دلیل انرژی اجتماع آدم‌ها و تعامل بیشتر و اثرگذاری استاد بر مخاطب، بسیار مؤثرتر و کارآمدتر است اما به‌دلیل شروع آزمایشی «آموزش مجازی» در سینمای جوان و موفقیت‌های به‌دست آمده از مزیت‌های دوره‌های مجازی بهره بردیم و موضوع و استاد و قالب برگزاری را متناسب با فضای مجازی طراحی کردیم.

ثبت رکورد حضور همزمان ۸۵۰ مخاطب در لحظه و مجموع ۶۵۰۰ بازدید در نشست داریوش خنجی و بازدیدهای مکرر ذخیره شده در آی‌جی‌تی‌وی صفحه اینستاگرام انجمن که همچنان در حال افزایش است، دلایل کافی برای استقبال علاقمندان از «۳۷-۲۰» استوی افزود: طبیعتاً انرژی مجازی نشست‌ها باعث فراگیری آن در سراسر کشور، ضریب نفوذ بیشتر، حضور مخاطبان گسترده‌تر، سهولت حضور در نشست‌ها و مزایای دیگری از این دوره از نشست‌ها را تضمین می‌کرد و خوشبختانه طراحی صحیح و اجرای موفق آن، باعث شد استقبال مخاطب و اثرگذاری آن در قالب آموزش‌های مجازی به حداکثر بهره‌برداری خود برسد. فکر می‌کنم در مجموع، اجرای این دوره از نشست‌ها به نام «۳۷-۲۰» از استانداردهای قابل قبولی برخوردار بود و از طریق نظرسنجی و بازخوردهای مخاطبان، می‌توان آن را تراز نشست‌های قبلی ارزیابی کرد.

پورسماعیلی با اشاره به آمار استقبال از این نشست‌ها توضیح داد: بیش از ۳۳ هزار حضور و بازدید ثبت شده در نشست‌ها، ۱۹۲۰ دقیقه آموزش مجازی، همچنین ثبت رکورد حضور همزمان ۸۵۰ مخاطب در لحظه و مجموع ۶۵۰۰ بازدید در نشست داریوش خنجی و بازدیدهای مکرر ذخیره شده در آی‌جی‌تی‌وی صفحه اینستاگرام انجمن که همچنان در حال افزایش است، دلایل کافی برای استقبال علاقمندان از «۳۷-۲۰» است که به‌طور قطع به شکل حضوری این حجم بهره‌برداری ممکن نبود.

مدیر نشست‌های تخصصی جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران بیان کرد: کنسل کردن چند نفر از اساتید خارجی و تغییر موضوعاتی که از قبل تعیین شده بود با موضوعاتی که تمایل و درخواست خودشان بود باعث شد که موضوعات و مطالب مطرح شده به هم نزدیک شوند و مخاطب همه آنها را دنبال نکند. اما به‌هرحال نشست‌هایی مثل یوسف سایکی با دو هزار و ۸۳۸ بازدید و جerald وبر با هزار و ۷۲۱ بازدید، نشان از استقبال کم نیست.

به نقل از ستاد خبری سی و هفتمین جشنواره بین المللی فیلم کوتاه تهران، نشست مجازی «انتقال تجربه» با حضور داریوش خنجی، فیلمبردار سرشناس ایرانی الاصل شامگاه شنبه ۱۷ آبان در لایو اینستاگرام انجمن سینمای جوانان ایران برگزار شد. رامتین شهبازی در ابتدای این نشست گفت: نشست امشب را به محمود کلاری فیلمبردار سرشناس ایرانی تقدیم می‌کنیم که برای نشست با آقای داریوش خنجی هم بسیار زحمت کشیدند.

سپس داریوش خنجی در این نشست که در قالب پرسش و پاسخ برگزار شد، درباره زیبایی‌شناسی در فیلمبرداری و جایگاه فرم شخصی در آن بیان کرد: من از طرف خودم این پاسخ را می‌دهم، اگر احساس می‌کنید باید سبک شخصی خود را داشته باشید و دوست دارید تماشاگران فیلم شما را با ویژگی منحصر به فرد شما بشناسند بسیار اتفاق خوبی است. من چندان دنبال این نبوده‌ام که با سبک خاصی شناخته شوم. با کارگردانان مطرحی کار کردم و آقایان استلنی کوبریک و رومن پولانسکی کارگردانان محبوب من از دوران نوجوانی بوده اند. همین ۲ فیلمساز هم در فیلم‌های خود تغییرات بسیار زیادی را تجربه کردند و زائر چندان در آزارشان معنا نداشت. وی افزود: فیلم‌هایی را فیلمبرداری کردم که در بسیاری از ویژگی‌ها متفاوت هستند از «هفت» گرفته تا «الماس‌های نتراشیده» اما وقتی با کارگردانی می‌خواهم کار کنم یک چمدان از تجربیاتم را با خود سر صحنه نمی‌برم.

سینما یک عشق است

این فیلمبردار در پاسخ به اینکه از بین فیلمنامه‌هایی که از بین فیلمسازان سرشناس و جوان دریافت می‌کند، به معیارهایی برای انتخاب دارد؟ توضیح داد: فیلمنامه های زیادی به من نمی رسد و بسیاری از فیلمنامه ها توسط مدیر هنری ام فیلتر می شود چون او می داند که سبک و سیاق کاری من چیست. اگر تصمیم به فیلمبرداری فیلمی بگیرم فیلمنامه را بارها و بارها می خوانم اما ترجیح می دهم قصه را از کارگردان بشنوم و صحبت های او را درباره قصه بدانم.

وی افزود: بسیاری از اوقات فیلم‌های بیگ پروداکشن به من پیشنهاد می شود که پاپ کورنی هستند اما این فیلم ها من را به هیجان نمی‌آورد، فیلمسازی می هم که با آنها کار می کنم، چنین فیلم هایی نمی سازند. هیچ وقت در سینما به دستمزد و پول زیاد فکر نمی‌کنم چون به شکل طبیعی با کارهایی که در آن حضور دارم از این منظر مشکلی ندارم. از وقتی بچه بودم عاشق سینما شدم و سینما یک عشق برای من است، اگر به خاطر مسایل مالی در سینما کار نکنید خود را در خود می‌کشید چون سینما فعالیت نیست که با این روش آن را دنبال کنید. فارسی زبان بسیار زیبایی است و ای کاش می توانستم به این زبان صحبت کنم، یکی از زیباترین زبان ها در ذهن من است.

بسیاری از اوقات فیلم‌های بیگ پروداکشن به من پیشنهاد می شود که پاپ کورنی هستند اما این فیلم ها من را به هیجان نمی‌آورد، فیلمسازی هم که با آنها کار می کنم، چنین فیلم هایی نمی سازندخنجی درباره پرسوای فیلم ایده‌ها به شکل غریزی در من شکل می‌گیرد. وی ادامه داد: دانشجوی چندان خوبی نبودم و غریزه‌ام در کار بسیار برایم ثمربخش بود، همواره تلاش می‌کنم در صحبت هایم با کارگردان وارد مسایل فنی نشوم اما گاهی با برخی کارگردانان این اتفاق می‌افتد.

فیلمسازی همچون حضور در یک گروه موسیقی است

خنجی در پاسخ به اینکه در برخورد با



روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور

صاحب امتیاز و مدیرمسئول:

غلامحسین شعبانی

نشانی: میدان انقلاب – خیابان جمادیزاده‌شمالی

پلاک ۳۶۰ واحد ۵

پست الکترونیک:

info@emtiazdaily.ir

تلفن: ۶۶۵۹۱۸۰۹

آگهی دولتی: ۶۶۵۱۷۷۶۴ – آگهی شهرستان ها: ۶۶۶۵۰۰۹۹

لینوگرافی و چاپ: ریحان

WWW.EMTIAZDAILY.IR

داریوش خنجی: در مواجهه با کارگردان شنونده هستم



نورپردازی، طراحی و ... وجود دارد که بسیار لذت بخش است.

خنجی همچنین گفت: وقتی می خواهید به مسایل ورود می کنند و وقتی با چنین کارگردانی همکاری می کنم بسیار آزمایش و تست با صحنه ها و بازیگران انجام می دهم تا از نظر نور و تصویر و تمامی مسایل به سطح ایده‌آل که برای فیلم مناسب است همراه با کارگردان برسیم. به عنوان مثال گاهی می طلبد یک فیلم نور را بالا داشته باشد، گاهی نور مشخصی نیاز است. با تحقیق و پژوهش و

همچنین گفتگو با کارگردان، نور و ویژگی‌های لازم برای فیلمبرداری یک صحنه در فیلم را

به دست می‌آورم. برخی کارگردانان بصری هستند و چندان توضیح نمی‌دهند که دقیقا چه می‌خواهند اما بعضی بسیار دقیق هستند و می‌دانند چه می‌خواهند. تا جایی که می توانم سؤالی را نمی پرسم مگر احساس نیاز کنم، فیلمسازی و همکاری با کارگردان مانند کار در یک گروه موسیقی است و خیلی زود با کارگردان هم فاز می‌شوم. اگر پرسش‌هایم تلاش می‌کنم پاسخ آن را با وقت گذراندن طولانی با کارگردان پیدا کنم و پرسش مستقیم را ترجیحاً دنبال نمی‌کنم.

این فیلمبردار درباره تجربه همکاری هایی

که با کارگردانی چون وودی آلن و دیوید فینچر داشته است، توضیح داد: از این فیلم ها بسیار گذشته است، در فیلم «هفت» قصه بسیار تارکپ بود و آقای فینچر هم در آن بازه در موقعیت تاریکی از زندگی خود بودند. وقتی فیلمنامه را خواندم احساس کردم قصه بسیار تارکپ و ترسناک است و وقتی با آقای فینچر صحبت کردم، گفتند فیلمی جدی است که روایت آن در فیلمبرداری چندان آسان نیست و مانند زندگی بسیار واقعی است.

وی افزود: آقای فینچر با وجود آنکه روی

مسایلی چون نور و تصویر حساسیت داشتند اما دست من را برای فیلمبرداری باز گذاشتند، این فیلم اولین تجربه من در سینمای آمریکا بود و بسیار هیجان زده بودم. سعی کردم به نوعی رنگ سیاهی اصلی را ایجاد و عناصری را که در این سیاهی است؛ کنترل کنم، همزمان آنکه فینچر هم دنبال چنین مسئله ای می‌گشتند. من در حال ساخت تیزر تبلیغاتی بودم که آقای فینچر پیشنهاد ساخت یک تبلیغ را به من دادند و در نهایت در این سفر تارکپ همسفر شدیم، تست های بسیاری انجام دادیم و تارکپی های بسیاری را آزمایش کردیم. این تارکپی که در فیلم است خود به یک شخصیت تبدیل می شود و به نوعی روایتگر تاریکی روح است.

وی در پاسخ به اینکه در جریان فیلم همه چیز را از قبل طراحی می‌کنید یا ممکن است بداهه پردازی کنید، بیان کرد: این مسئله بستگی به کارگردان دارد و من به عنوان فیلمبردار نمی توانم بداهه پردازی کنم. من جریان را دنبال می‌کنم که به صورت طبیعی در صحنه اتفاق می افتد و من را به سمت مشخص هدایت می‌کند. باید آماده باشم تا اگر کارگردان خواست فیلم را به سمت دیگری ببرد همراه او شوم، یک بار در محله کایه دو سینما مقاله ای خواندم که یک کارگردان درباره یک فیلم کم هزینه که در آن با دوربین حرکت باد در دنبال می کرد، نوشته بود. بسیاری از اوقات چنین آزادی عملی در فیلم به دست نمی آید و در مقابل گاهی هم آزادی عمل کافی برای

بر جریان فیلمسازی من داشت، یک فیلمبردار از بخش ها و احساسات بسیاری ساخته شده است و تجربیاتی از این دست نقطه نظرات یک فیلمبردار را شکل می دهد.

تأثیرات ادوارد هاپر و الهام بخشی آثارش
این فیلمبردار درباره اینکه از نقاشی ها در زمینه خلق تصاویر کمک می گیرد یا خیر؟ گفت: نقاشی های مختلفی چنین کمکی به من کرده اند، من پیش از حضور در عرصه فیلمبرداری بیشتر زمان خود را در موزه ها می گذراندم و ادوارد هاپر یکی از نقاشانی بود که بسیار روی من تاثیر گذاشت، همچنین فیلم هایی که در آن زمان دوست داشتم از این آثار الهام گرفته بودند.یک فیلمساز و فیلمبردار هرچه کنجکاوتر باشد و ورودی هایش بیشتر باشد موفق تر خواهد بود، به اندازه کافی کنجکاو نبودن برای من در زندگی شخصی و حرفه ای یک گناه است

وی افزود: وقتی از آمریکا به فرانسه بازگشتم، ادوارد هاپر چندان مطرح نبود و مدتی طول کشید تا او شناخته شود. وقتی ادوارد هاپر را شناختم احساس کشف می کردم، وقتی آثار هنرمندانی را تماشا می‌کنید که پیش از شما وجود دارند اتفاق بسیار جذابی است. ادوارد هاپر نقطه تلاقی نقاشی و عکاسی است. من بلافاصله پس از این تجارب در همان سنین جوانی شروع به ساخت فیلم های خود کردم که اقتباس های مستقیمی از نقاشی هایی بودند که در آن دوران دیدم. در حال حاضر در نقاشان کلاسیک آثار فرانسیسکو گويا را بسیار دوست دارم. من زمانی در برلین بودم و تمام آخر هفته خود را در موزه ها می گذراندم و مشغول کشف عکاسی و نقاشی بودم، کنجکاوی برای فیلمبرداران بسیار مهم است.

ورودی های بیشتر موفقیت در فیلمبرداری را منجر می شوند

خنجی تصریح کرد: به موسیقی هم علاقه ویژه ای دارم و ۱۵ سال است که این علاقه در من شکل گرفته است، ارتباط عمیقی بین موسیقی و فیلم وجود دارد. بسیاری از اوقات که نیاز به الهام بخشی دارم آثار موتسارت را گوش می دهم. یک فیلمساز و فیلمبردار هرچه کنجکاوتر باشد و ورودی هایش بیشتر باشد موفق تر خواهد بود، به اندازه کافی کنجکاو نبودن برای من در زندگی شخصی و حرفه ای یک گناه است. ضمن اینکه بسیار دوست دارم شما فیلمسازان را ببینم تا از تجربیات شما هم بتوانم استفاده کنم.

این فیلمبردار درباره نحوه انتخاب لنز مناسب گفت: انتخاب لنز یکی از مهم ترین انتخاب هاست که به طراحی فیلم و فضای آن وابسته است. بیشترین مساله ای که برای من مهم است نقطه نگاهی است که لنز قرار است نمایش دهد، خیلی اوقات نقطه نگاه ممکن است ایستا باشد، من فکر می‌کنم انتخاب لنز مهم ترین انتخاب برای فیلمبرداری یک فیلم است. انتخاب لنز وابسته به روایت است، در فیلمی از نیکول کیدمن از لنز آنامورفیست استفاده کردم. انتخاب اصلی لنز برآمده از قصه است، حرکت دوربین با بازیگر هنگام فیلمبرداری را بسیار دوست دارم. در فیلمی معتقد بودم دوربین باید با بازیگر حرکت کند اما کارگردان من را قانع کرد که دوربین باید پس از او حرکت کند و متوجه شدم که استدلال او درست است.

وی همچنین در پایان در واکنش به درخواست برگزاری بیشتر نشست هایی از این دست، توضیح داد: من از این اتفاق بسیار خوشحال می شوم چون در جریان زندگی‌ام ارتباط کمی با ایران دارم و با کمال میل هر زمان تمایل داشته باشید خواهان این ارتباط هستم و ارتباط امروز هم بسیار برایم لذت بخش بود چون با فیلمسازان هایی که از سینمای ایران تماشا کردم بسیار لذت بخش و اثرگذار بود و هر کاری را که از عهده آن برپایم، برای سینمای ایران انجام خواهد داد.

نشست های تخصصی سی و هفتمین جشنواره بین المللی فیلم کوتاه تهران به دبیری سیدصادق موسوی با برگزاری ۲۰ نشست شب گذشته به پایان رسید.

یک فنبان جای داغ

در ادامه مسیر حضورهای جهانی؛

«قطار آن شب» به جشنواره کودکان چین رسید



فیلم سینمایی «قطاران شب» به کارگردانی حمیدرضا قلیبی و تهیه کنندگی بهروز رشاد در بخش رقابتی جشنواره کودکان گوانگجوی چین به نمایش درمی‌آید.

به گزارش امتیاز، این فیلم درچهارمین حضور بین‌المللی

خود بعد از جشنواره اشلینگل آلمان، بخش کتابخانه ویدئویی جشنواره سینه کید هلند و جشنواره فیلم‌های آسیایی بارسلون، در بخش رقابتی پانزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم کودکان چین به روی پرده خواهد رفت.
این جشنواره که هرساله میزبان سینماگران و فیلمسازان حوزه سینمای کودک و نوجوان از سراسر جهان است، از ۲۲ تا ۳۰ نوامبر ۲۰۲۰ میلادی (۲۰ تا ۲۸ آذر ۱۳۹۹) برگزار خواهد شد.

«قطار آن شب» با اقتباس از رمان احمد اکبرپور در ژانر کودک و نوجوان ساخته شده است و افشین هاشمی، سیامک صفری، مریم بوبانی، بهمنز نادری، بهرام شاکری و بازیگر خردسال آیلین رشیدیان در این اثر سینمایی به ایفای نقش پرداخته‌اند.
این فیلم در سی و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان برنده پروانه زرین بهترین فیلم کودک از نگاه داران کودک، دیپلم افتخار بهترین بازیگر و پروانه زرین جایزه ویژه هیات داوران و جایزه نوآوری شد.

نمایش خانگی با سریال های مبتذل ترکی موجب تنزل ذائقه مخاطب ایرانی شده است

روزی که «مارشال مک لوهان» در کتاب «برای درک رسانه‌ها»، در جواب «ارشمیدس» که گفته بود: یک نقطه اتکا در جهان به من نشان بدهید تا من توسط آن دنیا را تکان بدهم، گفت: اگر ارشمیدس امروز زنده بود حتماً رسانه‌ها را به ما نشان می‌داد، شاید کسی باور نمی‌کرد اینگونه وجه غالب و نقش پررنگ رسانه‌ها، بُعد سرگرمی‌سازی بشود.
«لاسول» در سال ۱۹۶۸ نقش‌های وسایل ارتباطات جمعی یعنی همان رسانه‌ها را اینگونه برمی‌شمرد:
۱.نظارت بر محیط
۲.ایجاد همبستگی‌های اجتماعی
۳.انتقال میراث فرهنگی
و چندسال بعد «چارلز رایت» نقش سرگرمی را به نقش‌های مذکور اضافه می‌کند.

با کمی دقت به روشنی می‌بینیم که بزرگ‌ترین شرکت‌های تولید فیلم و سریال در دنیا این چهار کارکرد را با هم ادغام کرده‌اند و در یک سبد فرهنگی واحد تحت عنوان سرگرمی به خورد مخاطب می‌دهند. کارکردهایی که شاید در خیلی از کشورها مغفول مانده است و رسانه‌ها باری به هرجهت از انجام این وظایف سر باز می‌زنند. اما در این بین بعضی کشورهای خاورمیانه از جمله ترکیه مسیرشان را جدا کرده‌اند.
آن‌ها الگوی توسعه‌ای خاص خود را پیدا و همان‌طور که همه شاهدیم به خوبی در سال‌های اخیر بازار مخاطب سینما و سریال خود را داغ کرده‌اند، بر اساس اطلاعات وزارت فرهنگ و گردشگری ترکیه، اکنون بیش از ۱۵۰ سریال ترکیه‌ای به بیش از ۱۰۰ کشور جهان صادر و پخش شده است.
هر کدام از این سریال‌ها نقش نمایندگی را دارند که می‌تواند عده‌ای را برای سفر به ترکیه، حتی مکان‌های کمتر شناخته شده ترغیب کند و این یعنی همان کارکرد انتقال میراث فرهنگی که به خوبی ایفا شده و همراه با جذب گردشگر با یک تیر دو نشانه زده و سودی دو چندان را برای این کشور فراهم کرده است.

بر اساس گزارشی که در گاردین نوشته شده است، شبلی، ارژانتین و مکزیک به ترتیب بزرگ‌ترین مشتریان سریال‌های ترکیه‌ای و در این کشورها بیشتر خریداری شده‌اند. از دیگر مشتریان پر و با قرص سریال‌های ترکیه‌ای می‌توان به چین، روسیه،کره و ژاپن اشاره کرد.
تا پیش از اینکه سریال‌های ترکیه‌ای این‌طور بازار خاورمیانه را در دست بگیرند، مصر و به ویژه سوریه بک‌تاز سریال‌های تلویزیونی در این بخش جهان بودند. محبوبیت سریال‌های سوریه‌ای به حدی بود که حتی پس از ورود سریال‌های ترکیه‌ای به جهان عرب، دوبله با لهجه سوریه‌ای یکی از ترندهای شبکه‌ها برای محبوب کردن این سریال‌ها بود.

پس مشخص شد که اگر یک رسانه بتواند درست، با هدف و با انگیزه عمل کند و حتی فقط یکی از کارکردهای رسانه‌ای خود را به خوبی انجام دهد، کارکردها و وظایف دیگر به نوعی هم‌راستا با همدیگر محقق خواهند شد.
هر همین اساس خالی از فایده نیست به نکته‌ای از مقاله «اورت راجرز» تحت عنوان «گذر از الگوی حاکم» اشاره کنیم، راجرز در این مقاله می‌نویسد: الگوی توسعه (رسانه‌ای) در کشورهای درحال توسعه باید الگوی متناوب و منطبق با شرایط خاص هر کشور باشد.
همچنین «جودی عنایت الله»، نماینده پاکستان در یونسکو به الگوی واحد جهانی‌سازی و نوسازی «لرنر» ایراد وارد می‌کند و آن را به خاطر غریب بودن و بی‌توجهی به فرهنگ‌های کشورهای در حال توسعه مورد انتقاد قرار می‌دهد. او می‌گوید: الگوی توسعه در کشورهای در حال پیشرفت باید آسیایی، آفریقایی و به طور کلی مبتنی بر خصایص بومی و داخلی هر کشور باشد.

همان‌طور که شاهد این مدعا این است که بسیاری از کشورهای آسیایی فرهنگ فیلم‌سازی خود را مطابق فرهنگشان رعایت کرده‌اند. مانند هند، کره، ژاپن و...

ترکیه از جمله کشورهایی است که فرهنگ خاص کشورش را وارد صنعت فیلمسازی خود کرده است. آداب و رسوم، تفکرات، عقاید و نحوه زندگی مردمش را به خوبی نشان می‌دهد. بعضی سنت‌ها و آداب قدیمی مثل جبرگراییه‌ها و تسلیم سرنوشتن شدن‌ها را روایت می‌کنند و از همان اندیشه‌ها داستان‌های طولیل و طولانی می‌سازند و تحویل مخاطب‌های جهانی می‌دهند.

اما راز جذابیت و جلب مخاطب پای سریال‌های ترکیه‌ای چیست؟ چرا مخاطبان علاقه وافر به دنبال کردن این داستان‌های بی سر و ته دارند؟ از دوجنبه می‌توان به این سؤال پاسخ داد: جنبه نظری و جنبه عینی ماجرا.

از حیث جنبه نظری باید گفت که ترکیه از جمله کشورهایی است که همیشه داعیه‌دار مدرنیسم و تجددگرایی و سبک زندگی غربی است و این دقیق همان پیش‌شرط جامعه مدرن است. به این معنا که محققانی چون «مک کلدن» (۱۹۶۷) که معتقد به نوسازی جهان‌اند، نوسازی کشورهای در حال توسعه را در گرو تغییر خصایص افراد و ارزش‌ها و هنجارهای موجود در جوامعشان می‌داند و اینکه باید هرچه بیشتر این نگرش‌ها و ارزش‌های خود را به مردم اروپای غربی و آمریکای شمالی شبیه و نزدیک سازند.

از چشم‌انداز این نظریه به خوبی می‌بینیم که سریال‌های ترکیه‌ای با اقتباس از فرهنگ مبتذلانه غربی و فساد و تباهی موجود در داستان‌های به اصطلاح عاشقانه و تلفیق آن با یک سری اندیشه‌های جبرگرایانه و داستان‌پردازی، ذهن مخاطب را درگیر بی‌کیفیت‌ترین حالت و موضوعات ممکن در زندگی می‌کنند. داستان‌هایی که اغلب رویایی و با نازند و اساساً در زندگی روزمره مخاطب به کمترین کار هم نمی‌آیند و توشه‌ای ندارند.

این هم جنبه عینی ماجرا است یعنی چیزی که هم اکنون شاهد آنیم. مردم وقتی ذائقه تفکراتشان دستکاری شود به کمترین چیزها اهمیت می‌دهند. ما به جای نکات ثابت و اصول زندگی و معرفت‌شناسی به دنبال جنبه‌های پست و واهی می‌گردند. نظرات تاثیر ارتباط بر مخاطب به خوبی راه را برای اصحاب رسانه روشن کرده است که چرا و چطور و چقدر می‌توانند روی ذهن مخاطب تاثیر گذار باشند.

در پایان یک سؤال را از مخاطبان عزیز خواهیم پرسید به نظر شما تا چند صبح‌ای پیش که دسترسی به این موهومات کم‌دشوار بود و جز از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای امکان دیدن نبود تا این میزان محبوبیت و طرفدار داشت؟ حال چرا ما باید شرایط دسترسی هرچه بهتر و بیشتر این مبتذل‌های خانگی با سبک و سیاق غربی را به خانه‌هایمان فراهم کنیم آن هم باز جاشنی دوبله و یک اشتراک شبکه نمایش خانگی؟ به همین سرعت و به همین وسعت...



فرهنگی به نام «تئاتر مستقل تهران» تعطیل شده و جواب مسئولان سکوت است و از آن جالب‌تر که مدت‌هاست که اغلب هنرمندان نیز «سکوت» اختیار کرده‌اند. در موسیقی علاوه بر نته‌ا «سکوت‌ها» نیز ثبت می‌شود.
احوالات امروز ما نیز چون یک موسیقی سوگوارانه در حالت ثبت شدن است. آن اتفاقی که برای «تئاتر مستقل تهران» افتاد به زودی برای این قشر آسیب پذیر می‌افتد و به لطف «کرونا» تنها ثبت ثبت شده «سکوت» است.پس از ۸ ماه از «زندگی کردن» به «زنده بودن» رسیدهایم. حال به زودی با این ضربه مهلک اقتصادی به جامعه فرهنگ پرور و بدون تدبیر و ارشاد فرهنگ را «زنده بودن» هم باز خواهیم بستاد و تاریخ ثبت قتل خواهد کرد که در دوران «فوبیا»، «سفلیس»، «آنفلوآنزای خوک» و «کرونا» جهان چگونه، کشورها چگونه، شهرها چگونه و خانه‌ها چگونه مدیریت شدند

مبارزه با «کرونا» بستن مراکز فرهنگی است. اتگا. که مرکز شیوع این بیماری تنها مراکز فرهنگی است. در حالی که مراکز فرهنگی مرکز آموزش مبارزه، یاد دادن نحوه برخورد و محل آموختن الگویی برای تربیت جامعه در این مبارزه همگانی است. در این نحوه عملکرد مراکز گسترش فرهنگ بسته می‌شود اما رستوران‌ها باز است، پاساژها باز است، مراکز خرید باز است و آنچه که ربطی به فرهنگ ندارد باز است.

به عنوان مدیر یک مرکز مهم آموزشی که کشور سؤال من این است، اگر مسأله تجمع و تردد است که چگونه است که این مراکز باز هستند، اگر تجمع محدود با رعایت اصول و پروتکل‌های بهداشتی مجاز است که رسالت مراکز فرهنگی به عنوان مراکز گسترش فرهنگ و آموزش دهنده نحوه برخورد با این بیماری باید در درجه اول فعالیت باشند. نه اولین جابرای سنتن، تهیدد و پلمب. فرض بگیریم به دلایلی که از حد فهم من خارج است باید مراکز فرهنگی بسته و مراکز تجاری باز باشند. چرا هیچ کمک و تمهیدی برای حمایت از مراکز فرهنگی و آموزشی دیده نشده است؟! البته در رسانه‌ها گفته می‌شود که وام می‌دهیم و کمک می‌کنیم و غیره. ما به عنوان یک مجموعه آموزشی که زیر نظر سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور فعالیت می‌کند تا به حال هیچ کمکی از آن سازمان و یا هر سازمان دیگری دریافت ننمودهایم. بعد از درج اخبار حمایتی بارها به سازمان‌های ذیربط مراجعه نمودهایم و در نهایت همین چند روز پیش گفتند یک وام ۵ میلیون تومانی بوده و تمام شده است!
اولاً چگونه این وام بدون خبر تمام شده و ثانیاً آیا ۵ میلیون تومان می‌تواند کمک به ۹ ماه بیکاری و کم کاری یک مرکز آموزشی بزرگ و مهم کند؟! به تازگی یک مرکز بزرگ